**فهرست مطالب**

[خطبه اول 1](#_Toc426565039)

[تولد حضرت عباس علیه السّلام و برخی از صفات ایشان 1](#_Toc426565040)

[شمه‌ای از فضایل حضرت ابالفضل علیه السّلام 2](#_Toc426565041)

[ادب و وفاداری او نسبت به برادرش امام حسین علیه السّلام 2](#_Toc426565042)

[ایمان و جهاد آن حضرت از دیدگاه امام سجاد و امام صادق علیهما السلام 2](#_Toc426565043)

[اطاعت از ولی و امام خود 3](#_Toc426565044)

[منزلت آن حضرت در پیشگاه امام زمان 4](#_Toc426565045)

[شهادت حضرت عباس 4](#_Toc426565046)

[روضه‌خوانی 5](#_Toc426565047)

[خطبه دوم 6](#_Toc426565048)

[امتداد و تأثیر نهضت عاشورا در انقلاب اسلامی 7](#_Toc426565049)

[دعا 9](#_Toc426565050)

# خطبه اول

# تولد حضرت عباس علیه السّلام و برخی از صفات ایشان

عباس بن علی متولد بین سالهای 24 ـ 26، شهادت سال 61 هـ. به هنگام شهادت 34 سال داشتند.

ـ القاب آن حضرت: ابالفضل و ابوالقربة و به خاطر زیبایی و جمالی که داشت به «قمر بنی‌هاشم» و ماه فرزندان هاشم مشهور و ملقب گردید.

ـ شمایل: ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبین گفته: عباس بن علی مردی خوش صورت و زیباروی بود، و چون سوار بر اسب می‌شد پاهای مبارکش به زمین کشیده می‌شد. و به او «قمر بنی هاشم» می‌گفتند، و پرچمدار لشکر حسین علیه السّلام در روز عاشورا بود.

ـ وجه تسمیه عباس: صاحب منتهی الارب می‌گوید، عباس را بصیغه مبالغه گفتند برای شجاعت بی‌نظیر و صولت آن حضرت و عباس به معنای شیر بیشه هم هست از این رو اکثر در میدان او را به شیر غضبناک تعبیر کرده‌اند.

# شمه‌ای از فضایل حضرت ابالفضل علیه السّلام

کسی که واقعة جانگداز کربلای سال 61 هجری را مطالعه و یا داستان غم انگیز طفّ را خوانده یا شنیده باشد عظمت مقام و ایثار و شهامت و مردانگی و شجاعت و فضایل حضرت ابالفضل علیه السّلام را بخوبی در می‌یابد.

# ادب و وفاداری او نسبت به برادرش امام حسین علیه السّلام

آنجا که چون امام حسین علیه السّلام یاران خود را بهترین و با فضیلت‌ترین و وفادارترین یاران می‌خواند این وصف در حقیقت زیبنده عباس ـ علیه السّلام ـ است. علاوه بر این وقتی امام حسین علیه السّلام به یاران خود فرمود، به همة شما رخصت می‌دهم که بروید و همة شما آزادید و بیعتی از من بر گردن شما نیست!

حضرت عباس قبل از همه به اظهار وفاداری خود گفت: **لم نفعل ذلک لنبقی؟ لا أرانا الله ذلک أبداً[[1]](#footnote-1).** یعنی، هرگز خدا آن روز را نیاورد که ما تو را به خاطر حیات دنیا رها کنیم این چیزی نیست جزء بصیرت و آگاهی و شناخت امام زمان خود به معنای اتمّ کلمه.

# ایمان و جهاد آن حضرت از دیدگاه امام سجاد و امام صادق علیهما السلام

قال الصادق علیه السّلام: **کان عمّنا العباس بن علی علیه السّلام نافذ البصیرة صلب الایمان جاهد مع ابیعبد الله و ابلا بلاء حسنا و مضی شهیداً**.[[2]](#footnote-2)

امام صادق علیه السّلام فرمودند: عموی ما عباس بن علی علیه السّلام بصیرتی نافذ و بینشی عظیم و ایمانی استوار داشت، در محضر امام حسین علیه السّلام جهاد نمود و (در راه حضرتش) جانبازی و ایثاری تمام نمود و به شهادت رسید.

قال علی بن الحسین علیه السّلام: **رَحِمَ اللَّهُ عَمِی الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وأَبْلی وفَدی أَخاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّی قُطِعَتْ یداهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْهُما جِناحَین یطیرُ بِهِما مَعَ الْمَلائِکةِ فی الْجَنَّةِ کما جُعِلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبی طالِبْ علیه السلام؛ وَإنَّ لِلْعَبّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبارَک وَتَعالی مَنْزِلَةٌ یغبِطَهُ بِها جَمیعَ الشُّهدَاءِ یوْمَ القِیامَةِ**.[[3]](#footnote-3) امام سجاد علیه السّلام فرمودند: خداوند عباس را رحمت کند به تحقیق ایثار کرد و به بلا آزمایش شد و خودش را فدای برادرش (حسین علیه السّلام (نمود تا این‌که دو دستش قطع شد. پس خداوند عزوجل دو بال بجای دو دست به او داد که با ملائکه پرواز می‌کند در بهشت همانطور که برای جعفر بن ابی طالب دو بال داده و به درستی برای عباس علیه السّلام نزد خداوند عزوجل منزلت و مقامی می‌باشد که تمام شهداء تا روز قیامت به آن غبطه می‌خورند.

# اطاعت از ولی و امام خود

آن حضرت به حدی مطیع امام خویش بود که بدون اذن او در شب عاشورا جواب دشمن را نمی‌داد عصر تاسوعا دستور جنگ از سوی عبیدالله به پسر سعد رسید لشکر کوفه را به سوی حرم امام (ره) حرکت داد تا با آن‌ها بجنگد، در اینجا بود که امام علیه السّلام به برادرش عباس فرمود: ای برادر سوار شو و به نزد اینان برو و به آن‌ها بگو شما را چه شده و چه می‌خواهید؟ و از سبب آمدن آن‌ها بدین سو پرسش کن. وقتی شمر صدا زد و گفت پسران ام البنین کجایند برای آن‌ها امان نامه آورده‌ام. حضرت پاسخ نداد تا این‌که امام فرمود برادر جوابش را بده. پس از اذن امام عباس به او خطاب کرد خدا بر امان تو و خودت لعنت کند…

در منتخب التواریخ آمده است که حاج محمد رضای ارزی از مرثیه سرایان عرب و مداحان اهل‌بیت علیهم السّلام هنگامی که خواست در شهادت قمر بنی هاشم علیه السّلام از زبان امام حسین مرثیه‌ای بسراید و این مصرع را گفت: یوم ابوالفضل استجار به الهدی یعنی روز عاشورا آن روزی بود که امام هدایت، حضرت سیدالشهداء علیه السّلام به اباالفضل پناه برد. به فکر افتاد که شاید این قصیده درست نباشد و از آن صرف نظر کرد، چون شب شد، امام حسین علیه السّلام را بخواب دید، امام علیه السّلام فرمود: آنچه گفتی صحیح است و مصرع دوم را نیز خود حضرت فرمودند: والشمس من کدر العجاج لثامها یعنی در آن روز خورشید از تیرگی غبارش نقابی پیدا کرده بود.

# منزلت آن حضرت در پیشگاه امام زمان

این مقام مواسات ابوالفضل علیه السّلام با برادر بزرگوار خود در زیارت ناحیة مقدسه هم آمده که می‌فرماید: (السلام علی أبی الفضل العباس بن امیرالمؤمنین: المواسی أخاه بنفسه الآخذ لغده من أمسه، الفادی له، الواقی الساعی إلیه…) یعنی:‌ سلام بر ابی الفضل العباس فرزند امیر مؤمنان، آنکه با جان خود نسبت به برادرش مواسات کرد، و از گذشته‌اش برای آینده توشه برگرفت، آنکه خود را فدای برادر کرد و جان خویش را سپر او قرار داده و به سوی او سعی و تلاش کافی نمود…

# شهادت حضرت عباس

وقتی به سپاه دشمن حمله ور شد اشعاری حماسی می‌خواند که مضمونش این بود: از مرگ نمی‌ترسم آن گاه که بانگ زد، تا هنگامی که میان مردان کارآزموده، افتاده و به خاک پوشیده شوم، جان من وقایه (محافظ) جان پاک مصطفی است. من عباس هستم با مشک می‌آیم و روز نبرد از شرّ نمی‌ترسم. پس آن‌ها را پراکنده ساخت، در این وقت «زید بن ورقاء» در پشت درخت خرمایی کمین کرد و حکیم بن طفیل او را کمک نمود و ضربة شمشیری بر دست راست حضرت عباس علیه السّلام فرود آورد. عباس شمشیر به دست چپ گرفت و حمله کرد و این رجز را می‌خواند:

والله إن قطعتم یمینی إنی احامی ابداً عن دینی و عن امام صادق الیقین نجل النبی الطاهر الأمینی

و پیوسته می‌جنگید تا این‌که بدنش سست شد، پس «حکیم بن طفیل» از پشت نخلی بر او درآمد و تیغ بر دست چپ آن حضرت علیه السّلام زد، در این موقع عباس گفت: **یا نفس لا تخشی من الکفار وابشری برحمة الجبار مع النبی السید المختار قد قطعوا ببغیهم یساری فأصلهم یا ربّ حرّ النار[[4]](#footnote-4).**

ای نفس! از کفار نترس، مژده باد تو را به رحمت و بهشت خداوند جبار، همراه با رسول خدا ـ صلّی الله علیه و آله ـ آن سید برگزیده، همانا این قوم از روی ستم دست چپ مرا جدا ساختند، ای پروردگار! آنان را به گرمی آتش بسوزان.

زندگانی ابالفضل العباس علیه السّلام سراسر درس سعادت و خوشبختی می‌باشد و بر ماست که پند بگیریم از تمامی شئونات این بزرگوار، از علم و حلم، از ادب و وقار و از همه مهم‌تر تسلیم در برابر امام زمان خود، که وفاداری را تا ابد معنا می‌کند.

# روضه‌خوانی

یک روز ام‌البنین وارد خانه شد، دید علی بن ابی‌طالب بچه کوچک را در دامن گرفته و دست‌های این بچه را می‌بوسد، ام‌البنین سؤال می‌کند: چرا دست‌های عباس را می‌بوسید؟ علی می‌گوید: این دست‌ها در روز عاشورا در راه حسینم از تن جدا می‌شود و من بخاطر این دست‌ها را بوسه می‌زنم. شب عاشورا وقت تصمیم‌گیری بزرگ حضرت عباس است، امان‌نامه از ناحیه یزید به دست شمر و مزدورانش سپرده شده که شما در امان هستید، شما بیایید بروید. حالا حضرت عباس در بین دوراهی قرار گرفته است، امان‌نامه را می‌تواند بگیرد و با برادران خودش به راحتی به زندگی خودش ادامه بدهد، اما می‌داند که همه‌چیز روبه‌پایان خواهد رفت. الان وقتی است که باید با نظر ولایت و رهبری امام عصر خودش تصمیم بگیرد. حضرت عباس فرمود: من امان خدا را می‌خواهم، وای بر شما، امان برای خود شما باشد و من هرگز به طرف آتش گام برنمی‌دارم.

السلام علیک یا اباالفضل العباس. عصر عاشورا، پس از شهادت اصحاب و یاران، حضرت عباس علیه السلام تنهایی و بی کسی امام را نتوانست تحمل کند. محضر امام (ع) رسید و رخصت میدان رفتن و جانفشانی خواست و عرضه داشت: برادر جان! اجازه میدان می‌دهید؟ امام حسین (ع) گریه شدیدی کردند و فرمودند: برادر! تو پرچمدار من هستی.

عباس (ع) عرض کرد: «سینه‌ام تنگی می‌کند و از زندگی سـیر گشته‌ام.» امام (ع) فرمودند: مقداری آب برای این طفلان تهیه نما. جناب قمر بنی هاشم (ع) مشک به دوش گرفت و روانه میدان شد. با سپاه حریف، درباره آوردن آب به خیمه‌ها سخن گفت.

وقتی از آن‌ها مأیوس شد، نزد امام (ع) بازگشت و طغیان و سرکشی دشمن را به عرض رسانید. در این حال صدای العطش کودکان فضای خیمه‌ها را پر کرده بود.

سقّا نگاهی به چهره معصوم کودکان انداخت و بدون تأمل سوی شریعه فرات برگشت و به نگهبانان شریعه حمله کرد و جمع کثیری را کشت و وارد شریعه شد، دست زیر آب برد تا مقابل صورت آب را بالا آورد. «ذَکرَ عَطَش الحسین و اهل بیته» به یاد لبان خشکیده حسین و اهل بیتش افتاد و آب را برگرداند به شریعه.

هنگام بازگشت، دشمن راه را بر او بست. حضرت برای محافظت از مشک به سمت نخلستان رفت و دشمن نیز به دنبالش. از هر طرف تیر و نیزه به سمتش پرتاب می‌کردند، تا اینکه زره از انبوه تیرها همچون خار پشت به نظر می‌رسید. ابرص بن شیبان دست راست حضرت را قطع نمود، حضرت مشک را به دوش چپ انداخت و با دست چپ جنگید و این گونه رجز خواند: «**وَ اللهان قَطَعْتُموا یمینی، اِنّی اُحامی اَبَداً عَنْ دینی**»، به خدا قسم اگر دست راستم را قطع کنید، من از حمایت از دینم دست بر نمی‌دارم.

در این هنگام دست چپ حضرتش را حکیم بن طفیل از مچ قطع کرد. مشک را به دندان‌های مبارک گرفته سعی می‌کرد آب را به خیام برساند. لذا خود را به روی مشک انداخت. در این حال دشمن تیری به چشم و تیری به مشک زد، حکیم بن طفیل با گرزی آهنین فرق مبارک را نشانه گرفت و ضربتی وارد کرد و او را بر زمین انداخت.

عباس (ع) عرضه داشت: «**یا ابا عبد الله علیک منی السلام**»، ای اباعبد الله بر تو سلام، مرا دریاب.

امام خود را به نعش برادر رسانید، وقتی قمربنی هاشم در بالین امام حسین (ع) جان سپرد، حضرت فرمودند: «**الان انْکسَر ظَهری**»، عباسم الآن کمرم شکست و چاره‌ام از هم گسست.[[5]](#footnote-5)

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به ونتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئاتنا اعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و حبیبنا اباالقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّ علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّ علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و خلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرّحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[6]](#footnote-6) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه.**

# امتداد و تأثیر نهضت عاشورا در انقلاب اسلامی

در تبارشناسی انقلاب بزرگ،‌ تاریخی و سرنوشت‌ساز ملت ایران که به‌درستی عنوان «انقلاب اسلامی» را بر خود گرفت، می‌توان گفت این انقلاب در امتداد سه واقعه و رویداد بزرگ تاریخی بعثت، غدیر و عاشورا قرار دارد. بر اساس این نوع نگرش تبارشناسانه ازنظر هویتی برای انقلاب اسلامی، می‌توان گفت که عاشورا کانون اصلی الهام‌بخشی برای حرکت ملت ایران در مسیر مبارزه علیه ظلم و ستم و برپایی عدالت و رسیدن به آزادی و عزت‌نفس است.

این‌چنین مقدمات،‌ زمینه‌ها و بسترهای خلق واقعه‌ای عظیم و الهام‌بخش برای همه انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌گستر حق‌طلب در همه ادوار تاریخ به نام «عاشورا در سرزمین کربلا» در سال 61 هجری فراهم شد. حضرت امام حسین (ع) با شعار «**هیهات مناالذله**»،‌ زندگی سرخ همراه با شهادت خود و اصحابش را بر پذیرش ذلت و خواری ترجیح داد و این‌گونه شعارش را جاودانه تاریخ بشر ساخت و آن را چون چراغی بر سر راه حق‌طلبان مبارزه‌جو استوار نمود.

عاشورا تا ابد مسیر انسانیت را در امتداد بعثت و غدیر چنان روشنایی بخشید که هرگز امکان تیره‌وتار کردنش نیست و هرروز بر روشنایی این مسیر افزون می‌شود. امروز که به پهنا و طول تاریخ می‌نگریم، باورمان عمیق‌تر می‌شود که حکمت الهی بر واقعه بی‌نظیر، ژرف و عمیق و تاریخ‌ساز عاشورا حاکم بود؛ زیرا چیزی جز عظمت این به‌ظاهر «اعظم مصائب» و به تعبیر پیام‌رسان کربلا حضرت زینب سلام‌الله علیها «**و ما رایت الاجمیلا**»، نمی‌توانست به اسلام علوی در مقابل اسلام اموی حیات بخشد. بی‌تردید، بدون عاشورا اسلام از صفحه روزگار محو می‌شد.

و در عصر ما حضرت امام خمینی (ره) با الگو گرفتن از عاشورا و به حرکت درآوردن ملت بزرگ ایران به جنگ یزیدیان زمان رفت و در پرتو نورانیت عاشورا، طاغوت زمان را به زیر کشید و بر اساس پیام بعثت و غدیر،‌ حکومت اسلامی را در جغرافیای ایران برپا ساخت.

انقلاب اسلامی و نظام دینی برخاسته از آن، در امتداد عاشورا قرار دارد، زیرا مبانی، اصول، آرمان و اهداف ملت ایران و رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این حرکت عظیم، تماماً از بعثت، غدیر و عاشورا سرچشمه می‌گیرد. حضرت امام حسین (ع) درراه خدا و باهدف اصلی امربه‌معروف و نهی از منکر و اصلاح امور مسلمین بر اساس اسلام قیام کرد و همین هدف، انگیزه اصلی حرکت ملت ایران برای شکل‌دهی به انقلاب اسلامی است. حضرت امام (ره) فرمودند: قیام ما برای خداوند بود. این جمله نورانی از پیوند عمیق حرکت ملت ایران با حرکت امام حسین (ع) رونمایی می‌کند و شعارهای ملت ما در انقلاب اسلامی مانند شعار، «**هیهات مناالذله**» از نقش الهام‌بخشی نهضت عاشورا حکایت دارد. شعارهایی چون، نهضت ما حسینی است،‌ رهبر ما خمینی است، از تبار انقلاب اسلامی پرده‌برداری می‌نماید.

رابطه انقلاب اسلامی با عاشورای امام حسین (ع)، به‌گونه‌ای است که اگر عاشورا نبود، به‌طورقطع انقلابی با مختصات انقلاب اسلامی به وقوع نمی‌پیوست. مختصات انقلاب اسلامی و مختصات حرکت ملت انقلابی ایران طی 36 سال پس از انقلاب، تماماً از قیام حضرت امام حسین (ع) و واقعه کربلا نشئت گرفته است.

ملت ما با تأسی به فرهنگ عاشورا که فرهنگ ولایتمداری، ایثار، وفاداری، جهاد، مقاومت و شهادت است، با یک نبرد عاشورایی جنگ تحمیلی دشمنان را به دفاع مقدس تبدیل کرد. ملت ایران عاشورای امام حسین را سرمشق خود قرارداد و درس‌ها و عبرت‌های آن را لحظه‌به‌لحظه «مشق» نمود تا «ره» گم نکند. شعارهایی چون «حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست»، «مشق» مردان وزنان و کودکان و جوانان ایران‌زمین طی 36 سال گذشته بوده، تا اتصالش را از سرچشمه‌های حرکت قطع نکند. شعار، «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند»، شعار ربع قرن ملت ایران بوده، تا از تکرار بی‌وفایی کوفیان در حق مولایشان جلوگیری شود و عاشورایی دیگر رخ ننماید.

آری انقلاب اسلامی با الهام از عاشورا پدید آمد و با تأسی و عمل بر اساس دکترین و راهبردهای عاشورایی، پا به دهه چهارم نهاده است. اما در شرایطی که انقلاب اسلامی معادلات جهان را بر هم زده و با شکل‌دهی به محور مقاومت در منطقه راهبردی غرب آسیا و پدید آوردن پدیده مبارک بیداری اسلامی، دشمنان را در معرض شکست قطعی قرار داده، عده‌ای برای رفاه بیشتر دنیای خویش که با تحریم‌های دشمنان مخدوش شده، نسخه مذاکره و بیعت بایزید زمان تجویز می‌نمایند. در این هنگامه باید به آنان گفت، سنت ایران هرگز اتصالش را با عاشورا و کربلا قطع نخواهد کرد و رهبر سازش‌ناپذیرش را که چون کوه در برابر نظام سلطه ایستاده تنها نخواهد گذاشت و به پیروزی در این راه ایمان دارد.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزه العجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین.**

خدایا تو را به مقام حضرت عباس قسم می‌دهیم امت ما را در تمام امتحان‌ها موفق بدار. به آن‌ها بصیرت و دید کامل و عمیق عنایت بفرما. خدایا وحدت و انسجام را در میان امت ما حفظ بفرما. دل‌های ما را به هم مهربان و در مسیر خودت قرار بده. مقام معظم رهبری را در پناه خودت محافظت بفرما. خدای خط باشکوه انقلاب و ولایت وامامت را در این کشور مستمر بفرما و...

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ[[7]](#footnote-7)**

1. . معالم المدرستین - السید مرتضی العسکری ج 3  ص 90 [↑](#footnote-ref-1)
2. . امین، سید محسن، اعیان الشیعه، چاپ اول، بیروت، نشر دار التعارف، 1403 ق، ج 7، ص 430. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ بیروت، ناشر مؤسسة المعارف، ج 44، ص 298. [↑](#footnote-ref-3)
4. . مناقب ابن شهرآشوب: 4/108. المصلات: الشجاع، الماضی فی الحوائج. [↑](#footnote-ref-4)
5. #### . مقتل حضرت عباس (ع) به نقل از کتاب شرح شمع.

   [↑](#footnote-ref-5)
6. . آل عمران 102. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره الکوثر. [↑](#footnote-ref-7)